

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

National and Revolutionar Characters

afgazad@gmail.com

شخصیت های ملی و انقلابی

برگردان – م. اسفندیاری*

۱۴ جون ۲۰۲۲

به مناسبت یکصد و سی و دومین سال تولد رفیق هوشی مینه

سرگذشت هوشی مینه جوان (Ho Chi Minh 19/05/1890 – 02/09/1969)

امروز ۱۳۰ سال از تولد هوشی مینه می گذرد. فیگور و شخصیتی که امروزه برای جوانان تقریباً ناشناخته مانده است و شاید یکی از دلایل اصلی آن، این است که دیگر در مدارس و دانشگاه ها صحبتی از جنگ ویتنام نمی شود. اما چند دهه قبل برای جوانانی که روح و موتور اصلی جریانات ضد جنگ بودند، رهبر ویتنام، فیگور و شخصیتی اسطوره‌ای، همچون چگوارا را داشت. انسانی که رهبر مبارزه برای استقلال ویتنام، علیه استعمارگران فرانسوی، جاپانی و تهاجم امریکائی (یانکی) بود.

اما چهره و وجهه و شخصیت و زندگی هوشی مینه که کمتر شناخته شده است، سرگذشت و زندگی به غایت شگفت انگیز یک کمونیست جوان می باشد. داستان سرگذشت او نمی تواند، بدون یادآوری این نکته مهم باشد، که او بیش از هر چیز، فرزند خلف و متأثر و وفادار به انقلاب اکتوبر بود. او عضوی از خانواده و نسل متأثر از موج انقلاب ۱۹۱۷، که در تمامی دنیا پخش شده بود می باشد. که در نتیجه آن احزاب مختلف و کمونیست، بذر شکل گیری انترناسیونال سوم را کاشتند.

برای درک بهتر سرگذشت زندگی و مبارزات سیاسی او، باید خود را به جای جوانی که در خانواده فقیری در یکی از مستعمرات فرانسه به دنیا آمده بود، قرار دهیم. هوشی مینه جوان در مدرسه‌ای فرانسوی به تحصیل می پردازد و در ۲۱ سالگی با اسم و مدارک تقلبی، با کشتی به فرانسه سفر می کند. او جهت معیشت زندگی شخصی خود به کارها و مشاغل گوناگون دست می زند و گاهی اوقات به عنوان کارگر بر روی کشتی‌ها موفق به دیدار بسیاری از کشورهای غربی می گردد. از طرفی در این مدت سعی در خویش تحصیلی و آموزش فردی خود می گردد و او همچنین در این مدت به شناخت و مطالعه و آگاهی از وضعیت و شرایط سیاسی فرانسه و نقاط مثبت و منفی از اهداف و خواست‌های واقعی دموکراسی بورژوازی می پردازد. وی به این حقیقت پی می برد که امپریالیست های غالب و استعماری در عین صحبت از آزادی و حقوق، در عمل خواهان به یوغ کشیدن و استثمار توده‌های بزرگ مردمی در مستعمره‌های خود می باشد.

دوره اقامت هوشی مینه جوان در فرانسه، مصادف با اتفاقات و حوادثی است که باعث تغییرات بزرگ در صحنه بین‌المللی می باشند: جنگ جهانی، انقلاب لنینی در روسیه، شکل گیری انترناسیونال کمونیستی، شورش‌های توده‌ای در

سراسر اروپا و در همین زمان در کشور خودش اولین جرقه‌های مبارزات ضد استعماری رو به شعله ور شدن می‌باشند.

در آن سال‌هایی که هوشی مینه جوان در فرانسه زندگی می‌کرد، در کنار نگارش مقالات متعدد در مبارزات سیاسی روزمره هم شرکت می‌کرد. اما هیچ‌گاه فراموش نکرد که او یک ویتنامی بوده و از یک کشور استعمار زده می‌آید. شناخت و آگاهی سیاسی او بر این اساس رشد و تحکیم می‌یابد. در تمامی کنگره‌ها و جلسات، هوشی مینه اهمیت مبارزات توده‌های استعمار زده را خاطر نشان می‌سازد. او در همبستگی و روحیه کمونیستی خود می‌نویسد: "در شروع و آغاز وطن پرست بودم و نه هنوز کمونیست که مرا مطمئن به لنین و انترناسیونال ۳ کرد. آهسته آهسته در جریان مبارزه به این نتیجه رسیدم که فقط سوسیالیسم، فقط کمونیسم، قادر به آزاد ساختن بردگی کارگران و زحمتکشان تمامی دنیا می‌باشد."

در این دوره است که هوشی مینه جوان با فعالیت در جنبش کارگری به عضویت حزب سوسیالیست در می‌آید، که فضائی هماهنگ با ایده‌ها و آرمان‌های او دارد. و در این هنگامه پیام انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به کارگران و زحمتکشان تمامی کشورها رسیده، که آن‌ها را تشویق به مبارزه علیه امپریالیسم می‌نماید و همچنین پیام پشتیبانی از مبارزات تمامی خلق‌های آسیا در کنگره ۱۹۲۰ باکو (آذربایجان) انتشار می‌یابد. در نتیجه این اتفاقات، مبارزات جهانی شکل منسجم‌تری به خود گرفته و در بستر این مبارزات صدها انقلابی آسیائی و افریقائی پرورش یافته‌اند که روزی در کشورهای خود به رهبران انقلاب مبدل خواهند شد.

در سال ۱۹۲۰، هوشی مینه سی سال از عمرش می‌گذرد. اکنون او یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست فرانسه می‌باشد، که در آن زمان تنها حزبی بود که در کنگره‌های خود از نمایندگان دیگر احزاب برادر در کشورهای تحت استعمار دعوت کرده بود. او سه سال بعد رهسپار اتحاد جماهیر شوروی می‌گردد. که امکان درس خواندن در دانشگاه کارگران کمونیست مشرق زمین (خاور دور) را می‌باید. در مسکو هوشی مینه دیگر مبدل به یک "انقلابی حرفه‌ای" شده است، و تمام وقت به عنوان اصلی‌ترین مطلع درباره شرایط و اوضاع خاور دور در خدمت انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) قرار می‌گیرد.

هوشی مینه عضو کمینترن و یک "سوییت" بود. او به عنوان سفیر و نماینده انترناسیونال (کمینترن) به بسیاری از کشورهای دنیا و به ویژه کشورهای آسیائی سفر کرده است. در سال ۱۹۲۴ به عنوان عضوی از هیأت نمایندگی کمینترن با مرکزیت مسکو، جهت مطالعه و بررسی سیاست‌های پیچیده جبهه واحد حزب کمونیست چین با کومینتانگ (حزب ملی چین به رهبری سون یاتسن قبل از انقلاب ۱۹۴۹، Kuomintang) به چین اعزام می‌گردد. در این مأموریت وظیفه مشخص هوشی مینه، همکاری با حزب کمونیست چین در جهت سازماندهی جوانان انقلابی و تبعیدی اندونزیائی در خاور دور می‌باشد. اتفاقی نیست که دقیقاً در کانتون (یکی از بزرگترین شهرهای چین و بسیار نزدیک به هانگ کانگ و امروزه با ۱۵ میلیون جمعیت گوانجو نامیده می‌شود) اولین جمعیت و سازمان جوانان انقلابی ویتنام، و بعدها با تغییر نام به اسم سازمان جوانان کمونیست ویتنام، شکل می‌گیرد.

هوشی مینه در سال ۱۹۲۹، موظف به ایجاد وحدت میان ۳ گروه اصلی و سازمان یافته و تبعیدی از کمونیست‌های ویتنامی می‌گردد. این تماس و ملاقات در هانگ کانگ اتفاق می‌افتد، "آن‌ها با تظاهر به این که تماشاگر یک مسابقه فوتبال هستند، جلسه‌ای بر روی چمن‌های کناره میدان برگزار می‌کنند. تصمیم نهائی بر وحدت ۳ گروه در یک حزب واحد است، حزب کمونیست هند و چین". و این حزب به این شکل و با بحث‌هایی در شرایط غیرقانونی و بر روی چمن

زمین فوتبال پدید آمد. فقط پس از کمتر از یک سال موفق به رهبری جریان و جنبشی عظیم و دهقانی و استقلال طلبانه می گردد، که به سرعت تمامی کشور را در بر می گیرد.

سال‌های بعدی او، مملو از بررسی و مطالعه و دستگیری و زندان می باشد، آزادی از زندان و مسائل شخصی، اما پس از سالهای ۱۹۴۰ هستند که نام و سرگذشت هوشی مینه همواره با دست نوشته‌های انقلابی/ مردمی او، که سرشار از مثال‌های واقعی از یک مبارزه طولانی ۳۰ ساله، علیه جاپانی‌ها، فرانسوی‌ها و امریکائی‌ها عجین شده است و در نهایت ثمره تمامی این تلاش‌ها، اتحاد مجدد کشور ویتنام در یک جمهوری سوسیالیستی واحد می باشد.

مسیر و فرآیند انقلاب ویتنام یکی از آلترناتیوها و راه‌های انقلاب در آن دوران می باشد، یکی از انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم، که موفق به انقلاب و کسب آزادی در کشورهای مستعمره شده است. اکثریت این انقلاب‌ها، توسط زنان و مردانی همچون هوشی مینه، که در جریان و بطن مجموعه‌ای از تفکرات انقلابی و پرولتاریائی رشد یافته و آب دیده شده بودند، به سرانجام رسیده است. آن‌ها این احساس و باور را داشتند که در مجموعه یک جریان و جنبش بزرگ کارگری/ دهقانی و روشنفکری، می توانند در رهبری توده‌های پیشرو و پروگرسیت، در صحنه جهانی نقش خود را به بهترین شکل ایفاء کنند. علیه سیستمی فاسد و ظالم که حتی امروزه هم سرمنشأ جنگ، فقر و سرگشتگی، به خاطر بهره و سود اضافی خود، دست به هر جنایتی می زند.

در سال‌های نچندان دور، سرگذشت و زندگی هوشی مینه الهام بخش به مبارزه کشاندن هزاران جوان بود، که در پی آینده‌ای متفاوت و بهتر تلاش می کردند. آیا هنوز هم این امکان وجود دارد؟ ما باور داریم که جواب آری است. مطمئناً روشنائی بخش راه ما می باشد، که امروزه در پی دنیائی بهتر و علیه این سیستم بربریت سرمایه‌داری، دست به مبارزه می زنیم. به خاطر داشته باشیم: "که بدون عراق بر روی شانه‌های بزرگان نشسته‌ایم."

*- برگرفته و ترجمه شده از نشریه "بدون آتش بس" (Senza Tregua) ، ارگان "جوانان کمونیست" ایتالیا، به تاریخ

۱۹/۰۵/۲۰۲۰

حزب رنجبران ایران ۰۲ جون ۲۰۲۲